

ورود عمر بن سعد با چهار هزار سپاهی به کربلا

در روز سوم محرم عمر بن سعد با چهار هزار سپاهی به کربلا وارد شد و ابن زیاد دستور بستن آب به روی امام حسین(ع) را صادر کرد.



در روز سوم محرم عمر بن سعد با چهار هزار سپاهی به کربلا وارد شد و ابن زیاد دستور بستن آب به روی امام حسین(ع) را صادر کرد .

به گزارش ایکنای از خوزستان، متن زیر روایت روز سوم ماه محرم و واقعه کربلا براساس کتاب مقتل امام حسین(ع) براساس متون کهن نوشته مرضیه محمدزاده است که تقدیم مخاطبان می شود.

«عمر بن سعد سوم محرم با چهار هزار سپاهی از کوفه وارد کربلا شد. او از جمله افراد خائن و خود فروخته ای است که حقایق را به درستی می دانست و حق و باطل را به خوبی می شناخت و آگاهانه کمر به قتل امام حسین و خاندان و یارانش بست.

این زیاد کسانی را مأمور کرد تا در کوفه بگردند و مردم را به اطاعت فراخوانند و از عواقب شورش بترسانند و آنان را از یاری امام بازدارند و همچنان به جنگ با امام تحریک کنند.

او فرماندهان لشکر خود را به طور عمده از میان اشراف کوفه و مشایخ قبایل مختلف برگزید؛ آنان کسانی بودند که بنی امیه از روز نخست دل به تطمیع آنان بسته و با استفاده از ایشان جمعیت قبایل را به دفاع از خود آماده می کردند.

عبیدالله برای ابن سعد پیام داد که من برای تو از نظر لشکر و تجهیزات بهانه ای نگذاشته ام و هر صبح و شام چشم به راه گزارش کارهای تو هستم، مردانه باش و درنگ روا مدار.

ابن سعد پیکری نزد امام فرستاد تا از او بپرسد برای چه به اینجا آمده است. امام علت آمدن خود را بیان فرمود: مردم مرا دعوت کردند اگر از آمدن من ناخشنود و پشیمان شده اند برمی گردم. عمر بن سعد این رویداد را به ابن زیاد گزارش کرد و نوشت فرستاده ای نزد حسین فرستادم و از او پرسیدم به چه مقصدی آمده است می گوید مردم عراق او را به این شهر دعوت کرده و او طبق درخواست آنان به این سرزمین آمده و حال می گوید که اگر مردم نمی خواهند و نمی پسندند باز می گردم.

ابن زیاد برای پسر سعد نوشت نامه ات رسید مراد را فهمیدم. به حسین بگو که او و همه همراهانش باید با یزید بیعت کنند پس از آن درباره آنان تصمیم خواهم گرفت و نظر خود را خواهم گفتم. ابن سعد پس از دریافت حکم تهدیدآمیز عبیدالله گفت همین گمان را داشتم که ابن زیاد صلح و دوستی را نمی پسندد و نمی پذیرد.

کربلا تا کوفه قریب چهارده فرسخ فاصله دارد و پیک با اسب می تواند یک روز برود و برگردد. جواب ابن زیاد روز پنجم محرم به عمر بن سعد رسی عمر بن سعد حکم ابن زیاد را برای امام فرستاد و جواب آن حضرت این بود که ممکن نیست من تسلیم شوم آخرین ضربه ای که می توانند به من بزنند ضربه مرگ است. زنده باد مرگ.

ابن سعد جواب امام را برای ابن زیاد نوشت و به کوفه فرستاد.

این جواب مثل پتک فولادی به مغز ابن زیاد کوبیده شد و از این جواب شجاعانه برآشفت و دستور وحشیانه ای صادر کرد. او نوشت: بین سپاه حسین و آب فاصله شوید و اجازه ندهید که این کاروان بر آب دست یابند و قطره ای آب بنوشند. همانگونه که اینان چنین کاری با امیرالمومنین عثمان، خلیفه متقی، پاک و مظلوم انجام دادند...